

ایه‌های بزرگ

کتاب‌هایی که جهان و شیوه نگاه ما را تغییر دادند

توزگار

نقاش زندگی مدرن

شارل پیر بودلر

ترجمه‌ی مرضیه خسروی

مدرنیته ناپایدار، گذرا و مشروط است.

سرشناسه : بودلر، شارل پیر، ۱۸۳۱-۱۸۶۷ م. Baudelaire, Charles Pierre
عنوان و نام پدیدآور : نقاش زندگی مدرن / شارل بودلر ؛ مترجم مرضیه خسروی،
مشخصات نشر : تهران: روزگار نو، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری : ۱۱۹ ص.

فروست : ایده‌های بزرگ .

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۶۸۶۷-۵۵-۷

وضعیت فهرست نویسی : فیبا

یادداشت : عنوان اصلی : The painter of modern life and other essays.

موضوع : هنر

شناسه افزوده : خسروی، مرضیه، ۱۳۶۲، - مترجم

رده بندی کنگره : ۱۳۹۲ ن۹ب/۳/۷۴۴۵ NV

رده بندی دیویی : ۷۰۰

شماره کتابشناسی ملی : ۳۰۳۴۴۵

انتشارات : روزگار نو

نقاش زندگی مدرن

نویسنده : شارل بودلر ؛ ترجمه ی مرضیه خسروی

ویراستار : کاوه عزیزی

چاپ اول : بهار ۱۳۹۴

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۶۸۶۷-۵۵-۷

قیمت : ۹۵۰۰ تومان

شمارگان : ۱۰۰۰

www.ruzegarpub.ir

ruzegar.no@gmail.com

توزگار

نقاش زندگی مدرن

شارل بودلر

ترجمه‌ی مرضیه خسروی

ایده‌های بزرگ

نقاش زندگی مدرن

شارل بودلر

ترجمه‌ی مرضیه خسروی



طراح جلد: پریسا عزیزی

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۴

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

قیمت: ۹۵۰۰ تومان

چاپ و صحافی: افق بی پایان

شاپک: ۷-۵۵-۶۸۶۷-۶۰۰-۹۷۸

نشانی دفتر: خ انقلاب-خ دانشگاه- جنب شهدای ژاندارمری-مرکز خرید دانشگاه- طبقه زیر همکف

تلفن تماس: ۶۶۹۵۸۱۴۰ - ۹۱۳۶۸۵۵۹۷۶

فهرست :

۷ مقدمه
۱۳ نقاش زندگی مدرن
۶۵ حیات و هنر اوژن دلاکروا
۱۰۱ برگرفته از سالن ۱۸۵۹

مقدمه

شارل پیر بودلر، ادیب صاحب‌نام فرانسوی، در تاریخ نهم آوریل سال ۱۸۲۱ میلادی در پاریس به دنیا آمد. مادرش «کارولین ارشیمبودوفه» در هنگام زادن شارل ۲۸ سال داشت و پدرش مردی ۶۱ ساله به نام «فرانسوا بودلر» بود، هم او که گرایش و برداشت درستی از هنر را در شارل به ارمغان گذاشت. بهترین دوستان فرانسوا بودلر، هنرمند بودند و او در بیش‌تر روزها فرزند خردسالش را به تماشای موزه‌ها و نگارخانه‌ها می‌برد. شارل کنار بوم نقاشی پدر جای می‌گرفت و کار او را به تماشا می‌نشست. برخی از نخستین یادگارهای او به زمانی بازمی‌گشت که پدرش او را به کاخ لوکزامبورگ می‌برد تا برای او از تندیس‌های کاخ بگوید. بودلر در دو جا می‌نویسد: «تصویرها، تنهاترین، باشکوه‌ترین و نخستین دریافت‌هایم بودند.» شارل شش سال بیش‌تر نداشت که پدرش را از دست داد و او بیش از پیش به مادر گروید. یک سال پس از مرگ پدر، مادرش همسر سروانی به نام «ژاک اوپیک» شد. پیوندی زودهنگام که همواره در چشم شارل ناخوشایند می‌آمد. او این مرد را دوست نمی‌داشت و منش سربازی او را بر نمی‌تافت. اما ناگزیر به همدلی با مادر بود. وی بیش از هر چیز به زمانی می‌اندیشید که مادرش، او را از جان و دل دوست می‌داشت و مهرش را چون امروز به مردی خشک‌اندیش و سخت‌گیر نداده بود. از آن سو، اوپیک نیز دوست نداشت مهر همسر نخواستگاره خود را با پسر مردی دیگر تقسیم نماید. روش‌ها و رویکردهای سخت‌گیرانه او، ناخوایسته به پیدایی شخصیت شارل انجامید. راهبردهای او، راهبردهای درستی نبودند: امیدش آن بود که این کودک عزیزدردانه که به‌وسیله مردی هنردوست

پرورش یافته بود، چشم‌پسته هر دستوری را بی‌درنگ چون سربازی نورسیده از او بپذیرد. شارل یازده ساله بود که خانواده‌اش به لیون آمدند. پس از این جابه‌جایی، او را به مدرسه‌ای شبانه‌روزی سپردند و او تنها در روزهای پایان هفته می‌توانست به خانه برگردد. این روزها با هنگامی که او در کنار مادرش در پاریس می‌زیست بس ناهمگون بودند. لیون با زاغه‌های تهی‌دست‌نشین و رازناکی آرام‌بخش خود، به بودلر زمینه‌نخستین درون‌بینی‌هایش درباره هستی را داد. او در دوران مدرسه، همه زمان به پاریس می‌اندیشید و به روزهای خوبی که با پدر و مادرش داشت، پدری که اکنون در گوری سرد حفته بود. مدرسه بر پایه رویکردهای جانکاه سربازی بنیان نهاده شده بود و همین بودلر جوان را هرچه بیش‌تر به تنهایی، درون‌گرایی و تب ویرانگر سوداذگی (مالیخولیا) فرو می‌برد. بودلر از روش‌های سخت‌گیرانه و دشواری که ناگزیر به پذیرش آن‌ها در زندگی شده بود بیزار بود و آن‌ها را بر نمی‌تافت. در مدرسه شبانه‌روزی لیون، بیش‌تر روزها با دانش‌آموزان دیگر و با آموزگاران ناسازگاری و کشمکش داشت. این دوران آنگاه به بهبود رسید که خانواده‌اش در ۱۸۳۶م به پاریس بازگشتند و او در مدرسه «لویی لوگران» نام‌نویسی کرد اما این دوره نیز کوتاه بود و دیری نپایید. در آوریل سال ۱۸۳۹م، سالی که می‌بایست دانش‌آموخته شود، از مدرسه بیرونش انداختند. در ماه مه ۱۸۴۱م، بودلر به پافشاری خانواده، راهی سفری به جزایر «ایندیز» شد «تا از آموزه‌های بد برهد». آموزه‌ها و آزادسری‌هایی که در محله «لاتین پاریس» به آن‌ها خو گرفته بود. شارل طی دهمین ماه از سفر هجده ماهه خود، درخواست بازگشت به خانه داد. در جشن بیست و یکمین زادروزش، میراث پدر را به ارمغان برد. اما زندگی آزادسرانه و بی‌پروایی‌هایش، این میراث را به نابودی می‌کشاند. پس در ۱۸۴۴م پدر و مادرش با رأی دادگاه، دسترسی او به این دارایی‌ها را کاهش دادند و از این پس شارل می‌توانست تنها میزان ناچیزی از آن‌ها را دریافت دارد. او در ۱۸۴۲م، با «ژین دووال» سر و

سری یافت که از خونی دیگر بود. زنی دورگه که از دید او «نماد زیبایی سیاه» بود. این دختر گذاشت که او هم چون برده وی را در پرنبان خواب‌های شگفت خود درپیچد. بودلر او را تنها و تنها برای خون وحشی‌اش دوست می‌داشت. بودلر می‌نوشت تا جامعه را شگفت‌زده سازد؛ شاید این از آموزش‌های سخت دوران کودکی‌اش برمی‌خاست و چه‌بسا از ناشکیبایی‌اش در برابر هر آنچه که در زندگی‌اش رخ داده بود. بیش‌تر نیز درون‌مایه‌های غیراخلاقی و بدبینانه را برمی‌گزید. می‌پنداشت که دیدگاه‌ها و اندیشه‌های یکسان بسیاری با «ادگار آلن پو» دارد. بودلر و پو هر دو، نگاه خود را بر زیبایی، مرگ و شگفت‌انگیزی خیره ساخته بودند. بودلر با پو همدل شد و برگردان برخی از کارهای او از انگلیسی به فرانسه را آغاز نمود. همین برگردان‌هاست که امروز پیوندی جدایی‌ناپذیر میان پو و بودلر در دنیای انگلیسی و فرانسوی‌زبان پدید می‌آورد. در ۱۸۷۵م، سروده شناخته‌شده بودلر با نام «گل‌های شر» پس از چاپ به توقیف درآمد و بودلر ناگزیر شد شش سروده آن را بیرون بیاورد و پولی نیز به تاوان این سروده‌ها بپردازد. او سپس به کار نقد روی آورد و در این راه نیز آوازه یافت و نوشته‌های سال‌های ۱۸۴۵م، ۱۸۴۶م و ۱۸۵۹م خود را با نام «تالارها» به چاپ رساند که پژوهش‌های ارزنده و چشم‌گیری درباره هنرمندان گوناگون است. او هم‌چنین نگاشته‌های روزنامه‌نگارانه کوتاه بسیاری آفرید و پژوهش‌های بنیانی‌تری نیز درباره کارهای ادبی شناخته‌شده‌ای چون «مادام بواری» فلوربر به انجام رساند. بودلر در ۱۸۶۰م، «اندوه پاریس» را بیرون داد که نزدیک پنجاه سروده به نثر است، قالب شعری که در آن زمان در فرانسه ناشناخته بود. مقاله «نقاش زندگی مدرن» که بی‌تردید یکی از مهم‌ترین نوشته‌های شارل پیر بودلر شاعر و منتقد معروف فرانسوی به‌شمار می‌رود، بیست و ششم نوامبر سال ۱۸۶۳م در مجله فیگارو به چاپ رسید. مقاله بلند «نقاش زندگی مدرن» قطعاً یکی از نخستین صورت‌بندی‌های نظری در باب مدرنیته است؛ مقاله‌ای که

هوشمندانه در باب رابطه میان امر تاریخی و امر شاعرانه تأمل می‌کند، یکی از فشرده‌ترین متن‌های نظری - انتقادی که پژواک آن را می‌توان یک سده بعد در کل نظریه انتقادی مشاهده کرد. بودلر گرچه شاعری قرن نوزدهمی بود اما از بصیرتی قرن بیستمی برخوردار است. تأملات او در باب صنعتی و تکنیکی شدن هنر - که حاصل دیدار او از یک نمایشگاه عکاسی در اواخر قرن نوزدهم میلادی بوده است - ابعاد نظری، انتقادی و حتی شهودی یک شاعر را نیز درمی‌نوردد و لحن پیشگویانه یک پیامبر را به خود می‌گیرد. نوشته‌هایی که جرقه‌های نبوغ‌آمیز آن گاه چنان گرم می‌گیرد که پس از صد و چندی سال آتش آن هم‌چنان شوق و شورآفرین است. اما بی‌شک در میان این نوشته‌های نبوغ‌آمیز و سرشار از بصیرت شاعرانه، «نقاش زندگی مدرن» نوشته‌ای استثنایی است. چگالی ایده‌ها و تکانه‌های فکری و شهودی‌اش آنچنان بالا است که آدمی را به یاد والتر بنیامین و مقالات فشرده و کولازگونه‌اش می‌اندازد. بی‌جهت نیست که ژان لوک گدار به بندی از شعر بودلر اشاره می‌کند تا نشان دهد او چند دهه پیش‌تر، سینما را از طریق شعرش پیش‌بینی کرده بود: «از خلال ذهن‌هایمان می‌خلد / کشیده چونان بوم‌های نقاشی / خاطرات تو در قاب افق...» گدار، این بند را در دهان میشل پیکولی می‌گذارد و بعد توضیح می‌دهد که آنچه بودلر گفته، اشاره به پرده سینماست. اینجا حتی اگر به سیاقی که خود بودلر آثار و نوشته‌های دیگران را می‌خواند، نوشته او را بخوانیم - یعنی تفکیک امر گذرا، از امر سرمدی با آنچه تاریخ نیز ناتوان از نشاندن گرد زمان بر آن است - با متنی روبه‌رو هستیم که گویی نویسنده‌اش از اعماق تاریخ سر برآورده تا هم‌عصر و هم‌زمان ما نکاتی نبوغ‌آمیز در باب زندگی مدرن و آداب و ژست‌های بورژوازی بگوید. کلام او در ثبت ژست‌ها و آداب زندگی روزمره بورژوازی در قرن نوزدهم از آنچنان دقت و صحتی برخوردار است که می‌توان آن را به نقش دوربین در فیلم‌های مستند تشبیه کرد. از این جهت نیز نثر

نیوگ آمیز بودلر در ثبت ژست‌های قرن نوزدهمی، همان کارکردی را می‌یابد که جورجو آگامبن به سینما در قرن بیستم می‌بخشد. توصیف و تحلیل‌های بودلر از طرح‌های کنستانتین گی - که در ترجمه کتاب ژای ثبت شده است - متنی فراتر از تحلیل آثار یک هنرمند را خلق می‌کند و به قول آنری مژونیک، کارکردی هم‌چون «رستگار کردن جهنم مدرنیته» را دارد و البته یادآور این نکته تکراری اما هم‌چنان مغفول است که برای نقد مدرنیته باید سرتاپا مدرن بود و بودلر شاعر و نویسنده‌ای به‌غایت مدرن بود. در ۱۸۶۲م، حمله قلبی کوچکی به بودلر دست داد که چه‌بسا همین، مرگش را شتاب بخشید. در ۱۸۶۷م هنگامی که بودلر در بلژیک به‌سر می‌برد، نیمی از پیکرش از کار افتاد و به زبان‌پریشی سختی گرفتار آمد. او را به پاریس برگرداندند تا این‌که در سی و یکم آگوست سال ۱۸۶۷م بر بازوان مادرش جان سپرد و در مونپارناس دفن شد.

نقاش زندگی مدرن

۱. زیبایی، مد و سعادت

در میان تمامی گروه‌های اجتماعی، حتی در گروه‌های هنرمندان، مردمانی هستند که به لوور می‌روند و بی‌آنکه حتی نگاهی گذرا بیندازند، با شتاب از برابر شمار زیادی از نقاشی‌های بسیار جالب گرچه ناشناخته می‌گذرند تا اینکه با حالتی خلسه وار خود را در برابر آثاری از رافائل ببینند، یکی از آن آثاری که هنرکننده کاری باعث شهرت‌شان گردیده است؛ سپس در حالی که به خود می‌گویند "من تمام موزه را می‌شناسم" با رضایت‌مندی به خانه بازمی‌گردند. همین‌طور هستند افرادی که با یک بار خواندن بوسونه و راسین تصور می‌کنند که تمام تاریخ ادبیات را به‌مانند کف دست‌شان می‌شناسند.

خوشبختانه گهگاه شوالیه‌های حادثه جوئی قدم به میدان می‌گذارند منتقدین، کلکسیونرهای هنری، عشاق هنر، بیکاره‌های کنجکاوی که تأیید می‌کنند تمام رموز هنر نزد رافائل یا راسین نیست، و شاعران کوچکی هستند که می‌توان از آن‌ها سخن گفت، که از هریک بر حسب اعتبار خود آثار دلنشین و استواری می‌توان یافت، و سرانجام اینکه هرچقدر هم دوستدار زیبایی عامی باشیم که توسط شعرا و هنرمندان کلامیک ابراز شده است، نمی‌توانیم از این امر غفلت کرده و اشتباه از زیبایی‌های خاص، زیبایی رویدادها، توصیف رفتارها غافل مانیم. باید بپذیریم که اکنون سال‌های متمادی است که جامعه نشانه‌هایی از پیشرفت و اصلاح [این دیدگاه] را بروز می‌دهد. ارزشی

توزگار نو ۹

Great Ideas

The Painter
of Modern Life

Charles Pierre Baudelaire

در تمام طول تاریخ بعضی از کتاب‌ها جهان را تغییر دادند و شیوه نگاه ما به خودمان و دیگران را دگرگون کردند. آن‌ها به مباحث، اختلافات، عقاید، جنگ‌ها و انقلاب‌ها الهام بخشیده‌اند. آن‌ها زندگی‌های بسیاری را ساخته‌اند و یا تباه کرده‌اند. حالا نشر روزگار نو برای شما کارهای متفکران بزرگ، پیشگامان، اصلاح طلبان و طالع بینان را فراهم آورده است. ایده‌هایی که مدنیت را تکامل داد و به ما کمک کرد تا آن چه که اکنون هستیم باشیم.



1821-1867

بودلر شاعر جمال پرست و لذت جو یکی از پیشگام ترین منتقدان هنر عصر خود بود. در این کتاب او به بررسی زیبایی، مد، شیک پوشی، هدف هنر و نقش هنرمند می پردازد و نقاشی که از نظر او بهترین توصیف گر نمایش زندگی مدرن است را وصف می کند.



9 786006 4867557